



روح الله حبیبیان

احکام کسب و کار

اتفاقاً این تجربه کسب درآمد، رابطه مستقیمی با شکل مصرف و کیفیت و کمیت هزینه افراد نیز دارد؛ چون تحمل رنج و سختی کسب پول، خواسته یا ناخواسته باعث می‌شود انسان در هزینه کردن‌های بعدی نیم‌نگاهی هم به دشواری به دست آوردن این «چرک کف دست» داشته باشد و معنای کلام پدر بزرگوار را وقتی در برابر درخواست‌های مکرر پول توسط فرزندان مقاومت نشان داده و می‌فرماید: «مگر پول علف خرس است!» بهتر درک کند. البته این که چه ربطی بین پول و خرس و علف وجود دارد و اصولاً آیا خرس علف خاصی می‌خورد و آیا این علف همه جا یافت می‌شود و...
الله اعلم!



الفقه ثم المتجر

با همه فوائد و آثاری که کار و کسب درآمد دارد اما نباید فراموش کرد همه فضیلت آن در همان اصطلاح قدیمی «یک لقمه نان حلال» است. یعنی ارزش کار در این است که درآمد ما حلال و براساس ضوابط و قوانین شرعی و فرمایشات «اوس کریم» باشد.
اگر به استفتائات یا رساله مرجع تقلیدتان سری بزنید با مواردی مواجه می‌شوید که افراد به‌خاطر عدم اطلاع کافی از اصول شرعی تجارت و سایر فعالیت‌های اقتصادی پس از سال‌ها متوجه می‌شوند که همه درآمدشان حرام یا مخلوط به حرام بوده و این بدترین مصیبت است. این‌ها همه نشانه‌های درستی کلام مولای ما امیرالمؤمنان است که در بازار کوفه تازیانه به دست، قدم می‌زد و به فروشندگان هشدار می‌داد: «الفقه ثم المتجر؛ اول دانش و آگاهی احکام، آنگاه تجارت»
ما هم در این شماره به برخی نکات مفید در خصوص فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، به‌خصوص آن‌چه به‌درد شاغلین می‌خورد اشاره می‌کنیم. (حال شاغلین موقت تابستان باشند، خواه شاغلین دائم)

اشاره

... بستنی یخی، فالوده، استخِر و دریا، فوتبال زیر آفتاب داغ، کلاس‌های جورواجور هنری و ورزشی و خواب تا ساعت ۱۰ صبح، خاطرات خوش بسیاری از کودکان و نوجوانان از تعطیلی مدارس است که معمولاً از اواخر خرداد استارت می‌خورد و با آغاز فصل خوش تابستان به اوج خود می‌رسد.
تعطیلی سه چهار ماهه‌ای که مثل برق و باد می‌گذرد و باز بوی ماه‌مهر ماه مهربان...
ولی فرصت تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی برای خیلی از افراد به‌خصوص آقا پسرها زمان مغتنم و مناسبی برای کار و تلاش و حرفه‌آموزی و به‌علاوه کسب درآمد اقتصادی نیز هست. نمی‌دانم شما چقدر چنین شرایطی را تجربه کرده‌اید. اما به نظر می‌رسد گاهی - و نه همیشه - چند ماه کار و فعالیت و چشیدن اندکی از رنج‌های پدر، آثار و نتایج ماندگارتری از انواع و اقسام کلاس‌های فرهنگی هنری و ورزشی و... دارد.
بماند که برای برخی از نوجوانان و جوانان دیدن و چشیدن شیرین و تلخ کار و روزگار از ضروری‌ترین و حیاتی‌ترین راهکارها برای خروج از بچگی‌ها و سطحی‌نگری‌های شایع در این دوره و زمانه است.

اندر فواید کار

شاید برخی به ضرورت این مسأله چندان توجه نداشته باشند، اما فواید کار - به‌خصوص کار بدنی - علاوه بر شکل‌دهی شخصیت اجتماعی نوجوانان و جوانان و رساندن آن‌ها به استقلال شخصیتی، یکی از مهم‌ترین راهکارهای کنترل و مهار قوای غریزی و جنسی و از بین بردن حساسیت‌ها و فشارهای آزاردهنده و بعضاً منحرف‌کننده آن است که یکی از مشکلات اصلی و سؤالات نپرسیدنی نوجوانان و جوانان را در این سنین تشکیل می‌دهد.
و صدا البته ناگفته نماند که این فعالیت‌ها زمینه فراهم کردن پس‌انداز مالی را نیز به‌دنبال دارد و اگر رفقای ناباب و البته شکم مبارک و سایر هوس‌های پرخرج و برج بگذارند، آخر تابستان در حساب ذخیره ارزی بچه‌ها چیزی می‌ماند تا کفاف آرزوهای کوچک و نیمه‌بزرگشان را بدهد و چند مثقالی از بار دوش پدر بزرگوار کم کند.



تاجر یا موجر!

در یک نگاه کلی مشاغل موجود در دو مقوله تجاری و اجاره‌ای قرار می‌گیرند: می‌توان گفت کارها و فعالیت‌های اقتصادی موجود، یا به شکل معامله بر روی یک موجود خارجی مانند نان و لبنیات و موبایل و ماشین و زمین است که به آن «تجارت» و معامله گفته می‌شود و یا به صورت قرارداد بر سر بهره‌مندی از فوائد و خدمات یک چیز یا یک فرد است که به آن «اجاره» می‌گویند. شکل معروف این قسم، همان قرارداد استفاده از منافع یک منزل یا یک مغازه است اما در واقع به خدمت گرفتن یک کارگر، بردن لوازم خانگی برای تعمیر به تعمیرگاه و حتی سوار شدن ماشین برای رسیدن به خانه و مدرسه و... نوعی اجاره کردن است. در این نوع معامله، مشتری فرد دارای مهارت یا توانمندی خاص را اجیر می‌کند تا در ازاء مبلغ معینی کاری را برای او انجام دهد.

آیا وکیل؟!

نکته قابل توجه در همه معاملات اعم از تجاری یا اجاره‌ای آن است که شکل صحیح هر معامله‌ای در نگاه شرع آن است که ضوابط و مقررات خاصی در آن رعایت شود. از جمله خواندن صیغه معامله که طبق نظر فقها در برخی از عقود لازم است. این عمل در واقع تأیید و تثبیت محتوای معامله با کلام است که به وسیله دو طرف معامله و یا وکیل آن‌ها صورت می‌پذیرد. مانند همان اتفاق مبارکی که در عقد ازدواج - که یک قرارداد دو طرفه است - صورت می‌پذیرد و معمولاً عاقد محترم این وظیفه را بر عهده می‌گیرد (ناگفته نماند همه آن‌چه در مجالس عقد و عروسی فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی دیده‌اید از داستان: - آیا وکیل؟ - عروس رفته گل بچینه - برای بار دوم - آیا وکیل؟ و ادامه تکراری ماجرا ... تنها تأیید و کالت جناب عاقد از طرف عروس و داماد است و برای خواندن نیابتی صیغه عقد و خود صیغه اصلی معمولاً بعد از این حواشی و حتی در دفترخانه خوانده می‌شود، هر چند بسیاری فکر می‌کنند با بله گفتن عروس خانم، همه چیز تمام شده و محرمیت حاصل شده)

حتماً می‌پرسید با این وضعیت لازم است ما برای خریدن دوتا نان لواش هم در آن شلوغی نانوايي با شخص شاطر صیغه عقد بیع بخوانیم؟ مثلاً (بعث هذین اللواشین بثمانین تومان!) و او هم از کنار تنور داد بزند (قبلت قبلت!!) در حالی که این‌طور نیست. چون این کار معقول و حتی شدنی نیست. به همین خاطر فقها شکل رایج معاملات بین مردم، به‌خصوص در معاملات عادی و کم ارزش را نوعی توافق دو طرفه صحیح می‌دانند که «معاطات» خوانده می‌شود. یعنی دو طرف به نحوی اعلام رضایت می‌کنند که هر کدام از مال دیگری استفاده کند، مشتری از نان فروشنده و فروشنده از پول مشتری! ناگفته نماند رضایت و توافق دو طرف معامله و قرارداد، جای بقیه شرایط شرعی لازم را نمی‌گیرد. و الا بین نزول ده و نزول بگیر هم در بسیاری از موارد رضایت و توافق کامل وجود دارد!

حساب حسابه، کاکا برادر!

برگردیم به اصل بحث و کارهایی که معمولاً در فصل تعطیل پیش روی نوجوانان و جوانان است. اگر دقت کنیم می‌بینیم اکثر این کارها از نوع اجاره‌ای است. کار در مغازه‌های مختلف یا فروشگاه‌ها و کارگاه‌های جورواجور، حتی کارگری در زمین‌های کشاورزی و ساختمان و... یا باربری با انواع و اقسام وسایل، حتی شغل شریف پیک موتوری که هم فال است و هم تماشا! همه از این قبیل هستند. مهم‌ترین نکته در قانون اجاره این است که جزئیات قرارداد مانند میزان و شکل و چگونگی کار مورد مطالبه، زمان آن و مبلغ دریافتی در برابر آن معین باشد و نباید به حساب رفاقت و فامیلی و رودبایستی به این جزئیات بی‌توجه بود. مثلاً فردی به شما می‌گوید سه ماه تابستان فروشندگی مغازه را در مقابل ماهی ۲۰۰ هزار تومان بر عهده بگیر؛ این صحیح است. اما اگر بگوید: «اگر بی‌کاری بیا پشت دخیل بشین، به پولی دست‌رو بگیره.» این قرارداد صحیح نیست. اشتباه رایج در این موارد به تعیین نرخ دستمزد برمی‌گردد که معمولاً در ابتدا توافقی بر سر آن می‌شود. ولی پس از پایان کار، چانه‌زنی بر سر قیمت شروع می‌شود.

البته در بسیاری از مشاغل که براساس قانون و نرخ‌گذاری اصناف، قیمت خدمات معین است کار راحت می‌شود، زیرا صحبت نکردن از قیمت، به معنای توافق دو طرف بر همان نرخ مصوب محسوب می‌گردد، اما در برخی موارد مسأله این‌طور نیست. مثل کسی که کاری را از شما می‌خواهد و می‌گوید: «این زحمت را برای من بکش، از خجالتت درمی‌آیم» یا ماشینی را به کمک ذکر مهم و مؤثر «دربست» متوقف می‌کنید؟! و وقتی می‌پرسید تا فلان جا چند؟ راننده می‌گوید «بشین دعوا مون نمی‌شه!»

این موارد در پایان کار دو صورت دارد: یا کار به صورت توافق و نوعی مصالحه حل می‌شود و یا مسأله بیخ پیدا می‌کند و همان راننده خندان که می‌گفت دعوایمان نمی‌شود با یک دست، یقه شما را محکم گرفته

پرونده ویژه



و با دست دیگر قفل فرمان ماشین را به هوا بلند کرده؟! در این موارد قانون و قاعده مراجعه به «اجرة المثل» یا همان عرف بازار است. در واقع در این شرایط لازم است شما قیمت متعارف کار انجام شده را با رعایت شرایط و موقعیت‌های خاص آن به فرد بپردازید.

صددرصد حلال، ولی بی‌وسواس

نکته مهم دیگر این است که کاری که انسان انجام آن را بر عهده می‌گیرد باید حلال باشد و نمی‌توان به بهانه این که «من این‌جا کارهای نیستم» یا «تصمیم‌گیری شکل و نوع کار با من نیست» و از این دست عذر و بهانه‌ها تن به هر کاری داد.

مثلاً اگر در یک مغازه عرضه و فروش محصولات صوتی و تصویری کار می‌کنید، نباید به انجام کارهایی مانند فروش نوارها یا CDهای غیرمجاز یا تکثیر آن‌ها بپردازید و اگر قرار باشد بخشی از مسئولیت شما انجام این کارها و مانند آن باشد حرام است و حق پول گرفتن در قبال آن را ندارید؛ چون در برابر کار حرام نمی‌توان پول گرفت. البته باید توجه داشت دقت در این مسأله نباید به وسواس‌های بی‌مورد و تفحص‌های بی‌دلیل کشیده شود و رسیدن به یقین در حلال بودن همه معاملات و فعالیت‌های صاحب فروشگاه ضرورت ندارد، بلکه می‌توان بسیاری از کارهای مسلمان را حمل بر صحت کرد، به شرطی که برخی حرام‌هایی که روشن است را به بهانه حقوق خوب یا با کلاس بودن کار و... زیر سیلی رد نکنید.

حق تکثیر محفوظ است.



هنر شناسی

در خصوص برخی مشاغل هنری هم همین دقت‌ها لازم است. در واقع هنر یک هنرمند مسلمان این است که به هر کاری با بهانه هنری بودن دست نمی‌زند و هنرمندانه بین ضوابط شرعی و مبانی هنری جمع می‌کند. نمونه این موارد، کار در کارگاه‌های سفالگری مجسمه‌سازی، قلم‌زنی و حتی عروسک‌سازی است. براساس نظر برخی از فقها ساختن مجسمه (از هر جنس) یا تراشیدن و نقش دادن تصاویر برجسته انسان یا حیوانات بر اجسام و اشیاء حرام است و در برابر کار حرام هم نمی‌توان مزد دریافت کرد. قاعده کار این است که در ساختن مجسمه و مانند آن و یا ترسیم نقش‌های برجسته بر ظروف و صفحات قلم‌زنی و... دقت شود که: یا تصویر موجودات زنده (دارای روح) کار نشود و یا اگر کار می‌شود تصویر کامل یک حیوان یا انسان نباشد. مانند مجسمه نیم‌تنه انسان یا سر حیوانات. همچنین در خصوص عروسک‌سازی که یکی از حرفه‌های خانم‌های هنرمند و البته منبع درآمد خوبی نیز هست باید دقت کرد چیزی ساخته شود که از نظر عرف این عروسک شکل یک حیوان کامل محسوب نگردد و اگر عروسک به صورت غیر واقعی و فانتزی ساخته شود که عرفاً آن را تمثال یک حیوان واقعی مشخص نمی‌دانند اشکالی ندارد. البته برخی از مراجع به طور کلی عروسک‌سازی را جایز می‌دانند.



عبادات مالی

نکته آخری که لازم است مورد توجه قرار گیرد آن است که با اولین درآمدی که یک انسان بالغ به دست می‌آورد، توجه به تکالیف مالی از جمله خمس نیز بر او واجب می‌شود. البته در گذشته مفصل به این مسأله پرداخته‌ایم، ولی از آن‌جا که بالاترین راه محاسبه خمس تعیین یک تاریخ معین به عنوان سررسید محاسبه خمس یا همان «اول سال خمس» است، براساس نظر فقها لازم است فرد تاریخ اولین درآمد خود را اول سال خمس‌اش در نظر بگیرد و بر همان اساس محاسبه درآمدهای مازاد خود را انجام دهد. مثلاً اگر به سلامتی در تابستان مشغول به کار شدید و اول مرداد اولین حقوق خود را دریافت کردید، این تاریخ را به عنوان سررسید خمس خود در نظر می‌گیرید و سال بعد اول مرداد اگر هر پولی از درآمدهای سال‌تان باقی ماند، یک‌پنجم آن سهم امام زمان (عج) و سادات فقیر است که باید با رضایت خاطر و به قصد قربت تقدیم و کلاهی امام زمان یعنی مراجع یا نماینده‌های آن‌ها بنمایید.

